

## چرا نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم؟

در تابستان ۱۳۶۷ هزاران زندانی سیاسی در کمتر از دو ماه در زندان‌های ایران اعدام شدند. این اولین باری نبود که جمهوری اسلامی مخالفان سیاسی خود را دسته‌جمعی اعدام می‌کرد، اما اولین باری بود که چنین جنایتی را در خفا و در سکوت کامل مرتکب شدند. از سال ۱۳۶۰ که رژیم، اعدام سیستماتیک و گسترده نیروهای آزادی‌خواه و کمونیست را آغاز کرد، تعداد و نام اعدامیان را در رسانه‌های خود اعلام می‌کرد تا رعب و وحشت را بر جامعه حاکم سازد. اما در تابستان ۱۳۶۷، زندانیانی که یک بار محاکمه شده و به زندان‌های چند ساله محکوم شده بودند، بار دیگر در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای محاکمه و به اعدام محکوم



شدند و در همان روز نیز حکم آنان اجرا شد.

در "دادگاه‌های انقلاب اسلامی" که پس از قیام بهمن ۵۷ تشکیل شدند، متهمان نه وکیل داشتند، نه حق دفاع از خود. "دادستان‌های انقلاب اسلامی" لازم نبود مدرکی علیه متهم در دادگاه ارائه کنند، کافی بود ادعا کنند این متهمان هوادار یک سازمان سیاسی مخالف رژیم بوده‌اند. قاضی شرع نیز طی چند دقیقه حکم زندان درازمدت یا اعدام را صادر می‌کرد و همان روز هم حکم اجرا می‌شد. اعدام‌ها چنان شتاب‌زده بودند که گاهی حتی نام متهم ناشناخته بود و فقط عکس‌های اعدامیان در روزنامه‌های رژیم به چاپ می‌رسید.

رژیم ادعا می‌کرد دستگیرشدگان "تروریست" هستند، اما در میان اعدام‌شدگان بسیاری بودند که تنها اتهام آنان داشتن اعلامیه یک سازمان سیاسی بود. به این ترتیب هزاران نفر بی‌توجه به جنسیت و سن اعدام شدند. چنانچه در میان اعدام‌شدگان آن سال‌ها، کودکان و نوجوانان بسیاری یافت می‌شود.

هدف سران جمهوری اسلامی از این دستگیری‌های گسترده و اعدام‌ها، تثبیت پایه‌های رژیم خود و بازپس‌گیری آزادی‌ها و دستاوردهایی بود که مردم طی انقلاب به دست آورده بودند.

در تابستان ۶۷، با وجود تمامی سرکوب‌ها و اعدام‌ها هنوز هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های سراسر ایران در بند بودند. زندانیانی که دادگاه‌های پیشین نتوانسته بودند به اعدام محکوم کنند. در آن زمان، جنگ ایران و عراق پس از ۸ سال به پایان می‌رسید. جنگی که جان صدها هزار نفر را گرفت و ده‌ها هزار نفر را معلول ساخت و شهرهای بسیاری را ویران کرد.

رژیم هنوز می‌خواست به جنگ ادامه بدهد، اما وضعیت وخیم اقتصادی به همراه نارضایتی فزاینده مردم در داخل، و فشارهای بین‌المللی، خمینی را وادار ساخت با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به جنگ پایان دهد. وی پذیرش این قطعنامه را به "نوشیدن جام زهر" تشبیه کرد.

در سال ۶۷، رژیم از سوئی با یک بحران سیاسی - اقتصادی ناشی از نارضایتی مردم از وضعیت معیشتی وخیم خود و پیامدهای جنگ خانمانسوز روبرو بود، و از سوئی با هزاران زندانی که حکم بسیاری از آنان به پایان رسیده بود یا رو به اتمام بود. پس باید چاره‌ای می‌اندیشید. سران رژیم نمی‌توانستند به خواسته‌های اقتصادی مردم پاسخ دهند، اما سعی کردند، با توسل به جنایتی کم‌نظیر در جهان "معصل" زندانیان سیاسی را حل کنند. "راه حلی" که تنها در یک رژیم دیکتاتوری دینی ممکن است.

به فرمان خمینی و از سوی خمینی سه نفر انتخاب شدند تا زندان‌ها را از وجود زندانیان سیاسی خالی کنند. سه نفری که بین زندانیان سیاسی به "هیئت مرگ" معروف شده‌اند. به زندانیان گفته شد قرار است به وضعیت آنان "رسیدگی" شود. یک یک نزد این "هیئت مرگ" برده شدند. پیش از آن کلیه ارتباطات زندانیان سیاسی با خارج از زندان و ملاقات با خانواده‌ها قطع شده بود. از زندانیان سیاسی مسلمان

پرسیده می‌شد "آیا سازمان سیاسی‌ات را قبول داری؟" اگر پاسخ مثبت بود، حکم اعدام وی صادر می‌شد. اگر پاسخ منفی بود، پرسیده می‌شد "آیا حاضری با رژیم همکاری کنی؟" باز اگر پاسخ منفی بود، حکم اعدام وی صادر می‌شد. از زندانیان سیاسی چپ و کمونیست پرسیده می‌شد: "آیا خدا را قبول داری؟" اگر پاسخ وی منفی بود، حکم‌اش اعدام بود؛ اگر پاسخ مثبت بود: "پرسیده می‌شد آیا حاضری نماز بخوانی؟" "آیا حاضری همکاری کنی؟" باز اگر پاسخ منفی بود، حکم‌اش اعدام بود. پرسش و پاسخ‌هایی چند دقیقه‌ای که مرگ و زندگی هزاران نفر را رقم زد.

حکم اعدام هم در همان روز اجرا می‌شد. به این ترتیب در کم‌تر از دو ماه هزاران نفر اعدام شدند. اجساد این اعدام‌شدگان در گورهای دسته‌جمعی دفن شد. چند هفته بعد، تنها وسایل شخصی اعدام‌شدگان به خانواده‌ها تحویل داده شد. جسدی تحویل داده نشد، نشانی گوری داده نشد. به تدریج زندانیان سیاسی جان به در برده از زندان‌ها آزاد شدند.

در کشوری که هیچ‌گونه آزادی سیاسی و مطبوعات آزاد وجود نداشت، تنها زندانیان سیاسی و خانواده‌ها بودند که از این قتل‌عام فجیع مطلع شدند. سران رژیم که یا در این جنایت دست داشتند یا از آن آگاه بودند، تا سالیان سال سکوت کردند و کلامی در این باره نگفتند. نهادهای بین‌المللی که از جنایت مطلع شدند، واکنشی نشان ندادند. تنها ۲۰ سال بعد بود که سازمان عفو بین‌الملل آن را به عنوان "جنایت علیه بشریت" به رسمیت شناخت.

اما خانواده‌ها و بسیاری از زندانیان سیاسی از پای ننشستند. با یافتن گورهای دسته‌جمعی در حاشیه شهرها و گورستان‌های متروک، خانواده‌های زندانیان چپ و کمونیست هر سال در ۱۰ شهریور دسته‌جمعی به این گورستان‌ها رفتند و با وجود سرکوب و دستگیری و ضرب و شتم کوشیدند مراسمی به یاد عزیزان‌شان برگزار کنند. به روش‌های مختلف از این گورها محافظت کردند تا رژیم نتواند با نابودی گورها، آثار جنایت خود را پاک کند. در خارج از کشور هر ساله مراسم مختلفی به یاد جان‌فشانان تابستان ۶۷ برگزار شد. هر سال، و تقریباً در بسیاری از شهرهای بزرگ اروپایی و آمریکایی.

خانواده‌های اعدام‌شدگان، زندانیان سیاسی سابق، چپ‌ها و کمونیست‌ها سال‌هاست می‌کوشند تا این جنایت فراموش نشود. جنایتی که برگی سیاه از تاریخ کشور ما در زمان سلطه جمهوری اسلامی است. قتل‌عام هزاران نوجوان و جوانی که تنها دل به آرمان برپایی جامعه‌ای عاری از ستم و استثمار و سرکوب بسته بودند. شهادت‌نامه‌ها جمع شدند؛ کتاب‌های متعدد نوشته شد؛ مقالات بسیار منتشر گردید؛ مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های بی‌شمار انجام شد. تا این جنایت به فراموشی سپرده نشود. و در سال‌های اخیر بر اثر استقامت و پایداری خانواده‌ها، زندانیان سیاسی سابق، نیروهای چپ و کمونیست و آگاهی‌رسانی، برخی از سران رژیم، ناچار شدند به این جنایت اعتراف کنند. بسیاری از آن دفاع کردند. معدودی از "مخالفان" درون حکومتی، یعنی "اصلاح‌طلبان" امروزین، کوشیدند بر نقش خود در این جنایت سربوش بگذارند.

آیا در حالی که عاملان و همدستان این جنایت عظیم هنوز بر مسند قدرت‌اند یا حاضر نیستند حقایق را بر زبان رانند، در حالی که هیچ یک از آنان مسئولیت را نمی‌پذیرد، در حالی که هیچ یک از جنایت‌کاران محاکمه نشده‌اند؛ در حالی که بسیاری از پرسش‌های خانواده‌ها و زندانیان سیاسی سابق بی‌پاسخ مانده است؛ و در حالی که هنوز هیچ یک از آگاهان و دست‌اندرکاران در این جنایت، لب به سخن نگشوده‌اند و اسرار رژیم در این باره را منتشر نکرده‌اند.

**آیا چنین جنایتی فراموش شدنی است؟**

**آیا چنین جنایتی بخشودنی است؟**

□ رنگون باد جمهوری □ لامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد □ و □ یالیسم

کمیته خارج کشور □ ازمان فداییان (اقلیت)

آگو □ ت ۲۰۱۸